

دلبستگی و پیامدهای تحولی: نقش بازنمایی‌های ذهنی در پیش‌بینی مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی کودکان پیش‌دبستانی

Attachment and Developmental Outcomes: The Role of Mental Representations in Predicting Internalizing and Externalizing Problems in Preschool Children

Parisa Sadat Seyed Mousavi, PhD

Shahid Beheshti University

Family Research Institute

Sana Nouri Moghadam

PhD Candidate

Tarbiat Modarres University

ثنا نوری مقدم

دانشجوی دکتری روان‌شناسی

دانشگاه تربیت مدرس

پریسasadat سید موسوی

استادیار پژوهشکده خانواده

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش بازنمایی‌های ذهنی در پیش‌بینی مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی در کودکان پیش‌دبستانی بود. نمونه پژوهش شامل ۷۵ کودک ۴ تا ۶ ساله (۵۲ دختر، ۲۳ پسر) بود که از شش مهدکودک به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای در تهران انتخاب شدند. مادران فهرست رفتاری کودک (آشنایک و رسکولا، ۲۰۰۱) را تکمیل کردند و بازنمایی‌های ذهنی کودکان نیز به وسیله مجموعه داستان‌های مک‌آرتور (امد، ولف و اپنهایم، ۲۰۰۳) ارزیابی شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان دادند بازنمایی‌های ذهنی منفی از خود، موضوع‌های اخلاقی، روابط همدلانه، هیجان منفی و تعارض کلامی مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشکلات درونی‌سازی و بازنمایی‌های ذهنی پرخاشگری، تعارض کلامی و بازنمایی منفی از والدین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشکلات برون‌سازی در کودکان است. یافته‌های پژوهش همسو با نظریه دلبستگی نشان دادند مدل‌های کاری درونی کودک می‌تواند مکانیزم اثر تعامل والد-کودک بر پیامدهای تحولی باشد.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی‌های ذهنی، دلبستگی، مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of mental representation in predicting the internalizing and externalizing problems in preschool children. The sample consisted of 75 children (52 girls, 23 boys) between 4 and 6 years. The participants were selected by multistage cluster sampling from 6 nursery school of Tehran, Iran. The mothers completed the Child Behavioral Checklist (Achenbach & Rescorla, 2001). The mental representations of children were assessed by the McArthur Story Stem Battery (Emde, Wolf & Oppenheim, 2003). The results of step by step regression indicated that negative representation of self, moral issues, empathic relations, negative emotion and verbal conflict were the most important predictors of internalizing and the representations of aggression, verbal conflict and negative representation of parents were the most determinant predictors of externalizing problem. The findings were consistent with attachment theory, suggesting internal working models can be considered as a mechanism between child-parent interaction and developmental outcomes.

Keywords: mental representation, attachment, internalizing and externalizing problems

received: 12 May 2015

accepted: 26 November 2015

Contact information: P_mousavi@sbu.ac.ir

دریافت: ۹۴/۳/۲۳

پذیرش: ۹۴/۹/۱۶

به ویژه مهارت‌های اجتماعی و سلامت روانی وی را هموار سازد (برلین، زیو، آمایا جکسون و گرینبرگ، ۲۰۰۵). اعتقاد بر آن است که راهبردهای مقابله با تنیدگی از الگوهای اولیه رابطه والد-کودک سرچشمه گرفته و پاسخ کودک به موقعیت‌های چالش‌برانگیز را تعیین می‌کند (چاپلین و کول، ۲۰۰۵؛ ایزارد، یانگسترم، فاین، ماستو و ترنتاکستا، ۲۰۰۶). نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۲؛ اینسورث، ۱۹۸۹) را می‌توان مطرح‌ترین روی‌آورد در زمینه تعامل کودک-مراقب در نظر گرفت. نظریه دلبستگی و سازه‌های اصلی آن یعنی حساسیت مادرانه^۵ و مدل‌های کاری درونی^۶، نقش مهمی در تبیین مشکلات دوران کودکی دارد (گرو و ویتز، ۲۰۱۴؛ کسیدی و شاور، ۲۰۰۸).

در همین راستا، گرینبرگ (۲۰۰۵) دلبستگی را به عنوان یک عامل کلیدی در بروز زودرس مشکلات رفتاری مخرب^۷ کودکان در نظر می‌گیرد. سبک دلبستگی به عنوان یک عامل خطر ساز خانوادگی در پدیدایی روانی اختلال‌های اضطرابی نیز مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند سبک دلبستگی نوزاد پیش‌بینی‌کننده ترس و اضطراب در دوران کودکی است (دادز و روث، ۲۰۰۱). پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند سبک دلبستگی نایمن با گسترش مشکلات درونی‌سازی^۸ و برونی‌سازی^۹ کودکان همراه است (اینگل، ۲۰۰۵؛ ریولف، میسترز، هارن، بمیلیز و موریس، ۲۰۰۶). در همین راستا خانجانی و دادستان (۱۳۸۲) و ذوالفقاری‌مطلق، جزایری، مظاهری، خوشابی و کریملو (۱۳۸۷) نشان دادند دلبستگی نایمن کودک با مشکلات اضطراب جدایی رابطه دارد. یافته‌های فراتحلیلی در مورد رابطه دلبستگی و مشکلات درونی‌سازی نشان می‌دهند کودکان دارای دلبستگی نایمن اجتنابی بالاترین سطح مشکلات درونی‌سازی را نشان می‌دهند (مادیگان، موران و پدرسون، ۲۰۱۲).

مکانیزم اثر کیفیت روابط کودک-مراقب در پیش‌بینی صلاحیت اجتماعی و هیجانی^{۱۰} کودکان، کانون توجه بسیاری

به رغم محدودیت‌ها، عدم قطعیت‌ها و ابهاماتی که در تعاریف موجود در حیطه آسیب‌شناسی روانی کودکان وجود دارد، آسیب‌شناسی دوره کودکی یک دغدغه اجتماعی مهم است که در اولویت‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی نیز قرار گرفته است (ماش و بارکلی، ۲۰۰۳). توجه روزافزون به مشکلات سلامت روانی کودکان برخاسته از منابع گوناگون است. نخست آنکه، بسیاری از تجارب اولیه مشکلات روانی کودک می‌تواند در تحول و کنش‌وری بهینه وی تداخل ایجاد کند. بر اساس گزارش انجمن ملی سلامت روانی^۱ (NMHA؛ ۲۰۰۷)، شدت مشکلات نیمی از ۲۰ درصد کودکان دارای اختلال‌های روانی، هیجانی و رفتاری، در حدی است که کنش‌وری و تحول بهنجار آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین شواهد سازمان سلامت جهان^۲ (WHO) نشان می‌دهند در سال ۲۰۲۰، شیوع اختلال‌های روان‌شناختی کودکان به بیش از ۵۰ درصد جمعیت کودکان خواهد رسید و این امر یکی از دلایل عمده مرگ و میر و ناتوانی در آنها خواهد بود (سرویس سلامت عمومی ایالات متحده^۳، ۲۰۰۱). افزون بر آن، نه تنها مشکلات بخش قابل توجهی از کودکان بهبود نمی‌یابند، بلکه تجارب آسیب روانی اولیه، بر سازگاری خانوادگی، شغلی و اجتماعی کودک در دوره بزرگسالی نیز آثار منفی دارد (هینشاو و لی، ۲۰۰۳).

با وجود اهمیت عوامل زیست‌شناختی و محیطی در سبب‌شناسی مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان، سهم تجارب اولیه بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی^۴ کلی کودکان به صورت نظری و تجربی آشکار شده است (بالبی، ۱۹۸۸؛ بردرتون، ۱۹۹۲). نتایج پژوهش‌ها مبنی بر اهمیت سال‌های اولیه کودکی بر تحول کودک، موجب توجه فزاینده پژوهشگران بر تجارب اولیه و به ویژه روابط کودک با مراقب اولیه خود شده است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند روابط حمایت‌کننده اولیه کودک-مراقب می‌تواند مسیر تحولی کودک

1. National Mental Health Association
2. World Health Organization
3. USA Public Health Service
4. psychological adjustment
5. maternal sensitivity

6. internal working models
7. disruptive behavior problems
8. internalizing problems
9. externalizing problems
10. social and emotional competence

از پژوهشگران است. بر اساس نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۲) مکانیزم اولیه که از طریق آن ارتباطات خانوادگی به جنبه‌های دیگر زندگی در آینده پیوند می‌یابد، سازه‌هایی به نام مدل‌های کاری درونی است. این مدل‌ها که در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرند، دربر گیرنده دانش فرد از روابط خود و کنش‌وری این روابط است. مدل‌های مربوط به خود و مراقب، مؤلفه‌های اصلی این مدل‌های کاری هستند. این مدل‌ها شامل ساختارها، قوانین و مفروضه‌هایی است که ناشی از تجارب با چهره‌های دلبستگی است. این تجارب، نوعی ضبط ادراکی مؤلفه‌های عاطفی و رفتاری تعامل کودک-مراقب است (جورج^۱ و سولومون^۲، ۱۹۸۹ نقل از تامپسون، ۲۰۰۸) که بر مبنای شیوه واکنش مراقب و مؤلفه‌های حساسیت و پاسخدهی والد شکل می‌گیرند (بردرتون، ۲۰۰۵). بر اساس این مدل‌ها، کودکان انتظاراتی را از خود و دیگران شکل می‌دهند. در نظریه دلبستگی، مکانیزمی که از طریق آن تعامل والد-کودک منجر به آسیب‌شناسی روانی می‌شود، مدل‌های کاری درونی است. مدل‌های کاری درونی کودکان را می‌توان در تعامل با دیگران و در موقعیت‌های طبیعی که برانگیزاننده باورها و ادراک‌های کودکان از خود و دیگران است، مشاهده کرد (پیچ و بردرتون، ۲۰۰۱).

روش داستان‌گویی (پیچ، ۲۰۰۱) برای شناسایی بازنمایی‌های^۳ ذهنی در کودکان توسعه یافته است. برخلاف روش موقعیت بیگانه^۴ که بر طبقه‌بندی دلبستگی بر اساس رفتارهای کودکان کم‌سن با توانایی‌های کلامی محدود تأکید دارد، این روش به دنبال دریافت ادراک‌ها و بازنمایی‌های کودک از دیگران و روابط وی با آنها بر اساس توانایی‌های کلامی و ارتباطی است.

به عقیده بالبی مدل‌های کاری درونی بلوک‌های اصلی تحول شخصیت هستند (بالبی، ۱۹۷۳) که بر مبنای انتظارات نوزاد از دسترس‌پذیری و پاسخدهی مراقب شکل می‌گیرد. این انتظارات در چهارچوب گسترده‌تری از انتظارات فرد از خود، چهره‌های دلبستگی، تفسیر تجارب ارتباطی و تصمیم‌گیری در

خصوص واکنش نسبت به دیگران گسترش می‌یابد. این بازنمایی‌های ذهنی نوعی پالایشگر تفسیری است که به کودک کمک می‌کند از طریق آن درک خود را از روابط جدید بر مبنای تجارب قبلی بازسازی کند. در نتیجه، کودک شریک ارتباطی جدید خود را بر مبنای شکل‌گیری انتظارات قبلی انتخاب می‌کند. این انتخاب و نحوه پاسخدهی کودک به این رابطه جدید نیز انتظارات قبلی وی را تأیید می‌کند. این بازنمایی‌ها شکل‌دهنده خودپنداشت^۵ کودک است و بر این اساس، انتظار می‌رود که با ظرفیت‌های کودک در ایجاد و حفظ روابط موفق با همسالان، والدین، معلمان و دیگران رابطه نیرومندی داشته باشد (تامپسون، ۲۰۰۸؛ نجات، شهابی‌زاده و غباری‌ناب، ۱۳۹۲). افزون بر آن، بازنمایی‌های ذهنی می‌توانند ادراک کودک از ارزش و صلاحیت خود و حد اعتماد به دیگران و پاسخدهی آنها را شکل دهد. در طول زمان، الگوهای وابسته به موقعیت‌های خاص از مدل‌های کاری درونی از روابط والد-کودک به روابط وی با دیگران انتقال می‌یابد. لیبیل و تامپسون (۲۰۰۲) دریافتند در موقعیت‌های تنیدگی‌زا، کودکان دلبسته ایمن می‌توانند از مکانیزم‌های مقابله‌ای پیچیده‌تر و مهارت‌های ارتباطی بهتر استفاده کنند. در مقابل، کودک دلبسته ناایمن، از مهارت‌های مقابله‌ای و ارتباطی مناسبی برخوردار نیست. امری که به نوبه خود منجر به شکل‌گیری تجربه نادرست دیگری از روابط فعلی شده و می‌تواند موجب افزایش دفاع و مقاومت وی در ارتباط با دیگران شود. این شواهد نشان‌دهنده رابطه دلبستگی با کنش‌وری روان‌شناختی کودک است. در همین راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازنمایی‌های اجتنابی و سازمان‌نیافته موجب بروز مشکلات رفتاری و بازداری کمتر در کودکان می‌شود (هاو، برندون، هینینگز و شوفیلد، ۱۹۹۹؛ رایدل، بوهلین و ترول، ۲۰۰۷؛ شامیرسکو، آنگر و راپی، ۲۰۰۵؛ لکومپت، موس، سیر و پاسوزو، ۲۰۱۳).

همان‌طور که اشاره شد بر مبنای نظریه دلبستگی مسیر این رابطه به واسطه مدل‌های کاری کودک شکل می‌گیرد اما به دلیل مشکلات روش‌شناختی در ارزیابی مدل‌های کاری

1. George, C.
2. Solomon, J.

3. representations
4. strange situation

5. self- concept

به همراه مادران‌شان در پژوهش شرکت کردند؛ ۵۲ کودک دختر (۶۹/۳ درصد) و ۲۳ کودک پسر (۳۰/۷ درصد) با میانگین سنی ۶۱/۳۴ ماه و ۸۳ درصد تک‌فرزند بودند. ۶۱ درصد از مادران شاغل و بقیه خانه‌دار بودند. ۳ درصد از مادران دارای سطح تحصیلات دکتری، ۱۲ درصد فوق لیسانس، ۵۰ درصد لیسانس، ۳۲ درصد دیپلم و ۳ درصد زیر دیپلم بودند. همچنین میانگین سنی مادران ۳۲/۵۳ سال بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

فهرست رفتاری کودک^۲ (CBCL)؛ آشناباخ و رسکورلا،

(۲۰۰۱). نظام سنجش مبتنی بر تجربه آشناباخ شامل مجموعه‌ای از فرم‌ها برای سنجش صلاحیت^۳، کنش‌وری سازشی^۴ و مشکلات عاطفی-رفتاری است (آشناباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). افزون بر مقیاس‌های مبتنی بر مجموعه تشخیصی و آماری بیماری‌های روانی^۵ (DSM)، این ابزار دارای دو مقوله بزرگ نشانگان درونی‌سازی شامل مشکلات هیجانی، اضطراب/افسردگی، شکایات جسمانی و کناره‌گیری و نشانگان برونی‌سازی شامل مشکلات توجه و رفتار پرخاشگرانه است. بخش مربوط به مشکلات دارای ۱۰۰ ماده است که از صفر (هرگز) تا دو (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار بازآزمایی فهرست رفتاری با فاصله هشت روز، برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ و برای مشکلات کلی ۰/۹۰ به دست آمد. همچنین همبستگی نمره‌های فهرست که توسط مادران و پدران به صورت جداگانه تکمیل شد، بالا بود ($r=0/61$). تفاوت‌ها نشان دادند گرایش معناداری از سوی والدین در گزارش مشکلات بر اساس جنس آنها وجود ندارد. همچنین همبستگی نمره‌ها با فاصله زمانی ۱۲ ماه ۰/۶۱ بود (آشناباخ و رسکورلا، ۲۰۰۰). این مؤلفان روایی محتوایی فهرست مشکلات را تأیید کردند و نشان دادند این فهرست توانایی تمایز بین کودکان بهنجار و کودکان ارجاع داده شده را دارد. روایی وابسته به ملاک^۶ مقیاس نیز با سیاهه غربالگری رفتار کودک (جلینگ^۷، مورفی^۸ و لیتل^۹، ۱۹۹۹ نقل از آشناباخ و رسکورلا، ۲۰۰۰) که ابزاری توانا در ایجاد تمایز میان کودکان بهنجار و نابهنجار است، تأیید شد. روایی سازه این

کودکان، بررسی این مسیر تحولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت مدل‌های کاری کودک در حدی است که محور اصلی اغلب مداخله‌های طراحی شده برای کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکان نایمن متکی به تغییر بازنمایی‌های ذهنی کودک از طریق تغییر رفتار مراقب و تجارب تصحیح‌کننده است (سیدموسوی، مظاهری، پاکدامن و حیدری، ۱۳۹۲). با وجود این، این سازه‌ها بیشتر در مبانی نظری دلبستگی مطرح شده و پژوهش‌های اندکی در مورد آن صورت گرفته است. با در نظر گرفتن اهمیت تحولی کنش‌وری کودک و عوامل موثر بر آن در پیشگیری و مداخله‌های زودهنگام، شناسایی این مسیرهای تحولی می‌تواند گامی مهم در راستای ارتقای دانش نظری از عوامل موثر بر تحول کودک و همچنین طراحی برنامه‌های موثر و کارآمد به‌نگام باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بازنمایی‌های ذهنی منفی کودک از خود و والدین با مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکان پیش‌دبستانی بود. در این پژوهش کوشش شده است تا به پرسش زیر پاسخ داده شود:

نقش بازنمایی‌های مثبت و منفی کودک از خود و والدین در پیش‌بینی مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کودکان پیش‌دبستانی چیست؟

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات ارتباطی^۱ و همبستگی بود. جامعه این پژوهش شامل تمام کودکان ۴ تا ۶ ساله شهر تهران و مادران آنها در سال ۱۳۹۳ بود که با استفاده از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا چهار منطقه از شمال، جنوب، شرق و غرب تهران به صورت تصادفی انتخاب و از هر منطقه دو مهد کودک به صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به اینکه ارزیابی مورد نظر در پژوهش نیازمند ضبط ویدیویی بود، تنها کودکانی در پژوهش شرکت داده شدند که والدین آنها و مسئولان مهد کودک رضایت خود را از بابت شرکت در پژوهش اعلام کردند. در نهایت با همکاری شش مهد کودک، ۷۵ کودک

1. relational studies

2. Child Behavior Checklist

3. efficacy

4. adjusted functioning

5. Diagnostic and Statistical Manual

6. criterion-related

7. Jellinek, M. S.

8. Murphy, J. M.

9. Little, M.

«نشانی بده و بگو که بعد از این چه اتفاقی می‌افتد؟» ناتوانی کودک در بیان داستان می‌تواند نشان‌دهنده احتمال دلبستگی ناایمن اجتنابی در او باشد (امد و دیگران، ۲۰۰۳).

این آزمون به عنوان یک ابزار استاندارد شده توسعه نیافته است، اگرچه دستورالعمل‌های استاندارد برای اجرای آن وجود دارد که هدف اصلی آن تسهیل داستان‌گویی کودک است. اعتبار تکلیف وابسته به آن است که (۱) داستان چگونه بیان شود، (۲) چطور نمره‌گذاری شود و (۳) از چه روندی برای تحلیل آن استفاده شود. نتایج پژوهش بوش‌باوم و و امد (۱۹۹۰) و بردرتون و دیگران (۱۹۹۰) نشان دادند بیشتر کودکان ۳۶ تا ۳۷ ماهه قادرند پاسخ‌ها و راه‌حل‌های مناسبی برای داستان‌ها روایت کنند که این نکته نشان‌دهنده اعتبار صوری آزمون است. همسانی داستان‌ها در موقعیت‌های مختلف مانند خانه و آزمایشگاه توسط بوش‌باوم و امد (۱۹۹۰) بررسی و تأیید شد. اوپنهایم، گلداسمیت و کرنسری (۲۰۰۴) با بررسی اعتبار بازآزمایی نشان دادند محتوای داستان‌های گزارش‌شده توسط کودکان با دو هفته فاصله مشابه است. اوپنهایم، گلداسمیت و کورن-کری (۲۰۰۴) نیز همبستگی معناداری بین نمره‌های به دست آمده در داستان‌های مربوط به روابط مادر و کودک گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز نمره‌ها در طول دو هفته در نمونه مطالعه مقدماتی پژوهش ثبات خوبی را نشان دادند ($I=0/86$). همچنین همبستگی نمره‌های دو کدگذار مختلف (۰/۸۳) نشان‌دهنده توافق بین نمره‌گذاران بود. روی‌آورد‌های مختلفی برای نمره‌گذاری داستان‌ها وجود دارند که عمدتاً بر چهار حوزه تأکید دارند: محتوای داستان^۹، ساختار یا پیوستگی^{۱۰} داستان، تظاهرات هیجانی^{۱۱} کودک و تعامل با مصاحبه‌کننده^{۱۲} (پیچ، ۲۰۰۱). نظام نمره‌گذاری روچستر^{۱۳} (رابینسون، ماتنز-سیمون، مک‌فی و گروه مجموعه داستان‌های مک‌آرتور، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹) پرکاربردترین نظام کدگذاری است که شامل دو حوزه گسترده است: محتوای داستان‌ها و ویژگی‌های عملکردی رفتار کودک.

فهرست بر اساس همبستگی با دیگر اندازه‌ها مانند فهرست رفتاری انگلند^۱ و ریچمن^۲ (۱۹۷۷) ۰/۵۶ تا ۰/۷۷ و فهرست رفتاری موتون‌سیمین^۳، مک‌کین^۴ و کلی^۵ (۱۹۹۷) ۰/۷۰ گزارش شده است (نقل از آشنباخ و رسکولا، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر، همسانی درونی فهرست با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کلی ۰/۹۲ و برای زیرمقیاس‌های مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی ۰/۸۳ و ۰/۹۱ به دست آمد.

مجموعه داستان‌های مک‌آرتور^۶. مجموعه داستان‌های مک‌آرتور مجموعه‌ای از داستان‌هاست که از نتیجه کار چندین گروه تحقیقی به دست آمده است (امد، ولف و اوپنهایم، ۲۰۰۳) و برای ارزیابی دلبستگی و مدل‌های کاری درونی کودکان بیش از سه سال استفاده می‌شود. این ابزار دربرگیرنده مجموعه‌ای از داستان‌ها یا در واقع سرآغاز داستان‌هایی است که مربوط به موضوع‌های خانوادگی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند پاسخ‌های کودکان به این داستان‌ها از دید نظری با اندازه‌های به دست آمده از ابزارهایی مانند طبقه‌بندی دلبستگی به دست آمده از موقعیت ناآشنا^۷ (بردرتون، پرنیس و ریجوی، ۱۹۹۰)، سازش‌یافتگی مادرانه^۸ و بدرفتاری والدینی (امد و دیگران، ۲۰۰۳) رابطه دارد. با اینکه هر یک از داستان‌ها با موضوع خاصی ساخته شده اما ماهیت باز تکلیف به این معناست که کودکان می‌توانند بسیاری از جنبه‌های درونی خود را در یک داستان نشان دهند. در واقع هر پژوهشگری با توجه به هدف پژوهش خویش، داستان‌های مدنظر خود را انتخاب می‌کند. پیش از اجرای داستان‌ها باید با کودک طی بازی ارتباط برقرار کرد. برای اجرای آزمون وسایلی مانند عروسک و وسایل خانه لازم است تا هر داستان برای کودک نمادسازی شود. ابتدا تمام شخصیت‌های داستان برای کودک معرفی می‌شوند و سپس یک داستان مقدماتی با عنوان داستان خوشامدگویی برای ارتباط بیشتر با کودک ارائه می‌شود. پس از گفتن هر یک از داستان‌ها، پژوهشگر از کودک می‌پرسد:

1. Angland, A.
2. Richman, M.
3. Mouton-Simien, P.
4. McCain, A. P.
5. Kelley, M. L.

6. McArthur Story Stem Battery
7. strange situation
8. maternal adjustment
9. content of story
10. structure or continuity

11. emotional expressions
12. interaction with interviewer
13. Rochester scoring system

شد. در این پژوهش از داستان‌های مربوط به موضوع‌های دلبستگی (شامل داستان‌های ریختن آب میوه روی زمین، رفت/برگشت، بالا رفتن از صخره، گم شدن حیوان خانگی و بازگشت وی) و نظام نمره‌گذاری رایینسون و دیگران (۱۹۹۹) استفاده شد. موضوع‌های انتخاب شده برای کدگذاری و توصیف آنها در جدول ۱ درج شده است.

در ویرایش جدید علاوه بر محتوای کلی داستان‌ها دو بخش بازنمایی‌های کودک از والدین و از خود نیز بررسی می‌شود. برای نمره‌گذاری این داستان‌ها هر پژوهشگری بر اساس هدف‌های خویش و متغیرهای مورد نظر، موضوع‌هایی را انتخاب می‌کند (امد و دیگران، ۲۰۰۳). برای طبقه‌بندی موضوع‌ها، از طبقه‌بندی رایینسون و دیگران (۱۹۹۹) استفاده

جدول ۱

تعریف متغیرهای مربوط به بازنمایی‌های کودک

تعریف	متغیر
اشارات کلامی پرخاشگرانه مانند داد زدن، فحش دادن و تهدید کردن هرگونه نشانه‌ای از درک افکار و احساسات دیگری (چه کلامی و چه عملی)، اشتراک و بروز مناسب هیجان برخورد خشونت‌آمیز، شامل پرخاشگری کلامی و جسمانی؛ نشانه‌های آسیب جسمانی به خود، درد یا خونریزی و سرپیچی در داستان هرگونه نشانه‌ای از بد بودن فرد (شرم)؛ اشاره به شناسایی مقصر در داستان (مقصر دانستن شخصیت اصلی) و هر شکلی از تنبیه مانند تکت زدن، داد زدن، محرومیت زمان‌مند و ...	تعارض کلامی ^۱ روابط همدلانه ^۲ پرخاشگری تنظیم‌نشده ^۳ موضوع‌های اخلاقی ^۴
هرگونه نشانه منفی مانند تنبیه، خشونت، بی‌توجهی و طرد؛ نشانه‌های کنترل رفتار کودک به صورت منفی و فقدان نشانه‌های مثبت شامل حمایت، مراقبت، محبت و کمک	بازنمایی منفی از والدین ^۵
احساس شرم، مقصر بودن و هرگونه احساس منفی در هر حوزه جسمانی، اجتماعی و ... نسبت به خود و همچنین نمره‌های معکوس مثبت مانند غرور و هرگونه احساس مثبت نسبت به خود	بازنمایی منفی از خود ^۶
هیجان‌های منفی مانند خشم، تنیدگی، ناراحتی، نگرانی، ناامیدی و ... انسجام محتوای داستان و استفاده از سوژه‌های مناسب، عدم داستان‌گویی یا پاسخ‌های بسیار کوتاه و نامناسب	هیجان منفی ^۸ ارتباط و انسجام روایت ^۹

تحریک‌پذیری هیجانی و اضطراب/ افسردگی داشت. بازنمایی‌های مربوط به پرخاشگری رابطه بیشتری با مشکلات برونی‌سازی داشتند اما موضوع‌های اخلاقی با هر دو نوع مشکلات رابطه معنادار داشتند. همچنین نتایج نشان دادند بازنمایی‌های منفی از خود بیشتر با مشکلات درونی‌سازی و بازنمایی‌های منفی از والدین بیشتر با مشکلات برونی‌سازی رابطه دارند. مشکلات درونی‌سازی تاثیر منفی چندانی بر انسجام روایت‌گویی کودک نداشتند اما مشکلات برونی‌سازی با این مهارت رابطه منفی داشتند هرچند این رابطه معنادار نبود. هیجان منفی نیز با مشکلات برونی‌سازی رابطه بیشتری نشان داد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام به منظور بررسی نقش بازنمایی‌های ذهنی کودک در پیش‌بینی مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی در جدول ۴ منعکس شده است.

برای بررسی نقش هر یک از بازنمایی‌ها و اهمیت آنها در پیش‌بینی متغیر ملاک از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی در جدول ۳ نشان داده شده است. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که بازنمایی‌های ذهنی کودک با مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی رابطه معنادار دارد. تعارض کلامی بیشترین رابطه را با اضطراب/ افسردگی و شکایات جسمانی داشت اما با مشکلات برونی‌سازی رابطه نداشت. روابط همدلانه بیشترین رابطه منفی را با پرخاشگری و رفتارهای مقابله‌ای و همچنین

1. verbal conflict

2. empathic relations

3. dysregulated aggression

4. moral issues

5. time out

6. negative representation of parent

7. negative representation of self

8. negative emotion

9. narrative coherence

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD
بازنمایی‌های ذهنی	۰/۵۱	۰/۵۷
تعارض کلامی	۱/۷۰	۱/۳۶
روابط همدلانه	۲/۰۰	۱/۷۴
پرخاشگری	۴/۵۳	۲/۴۶
موضوع‌های اخلاقی	۱/۴۹	۱/۴۲
بازنمایی منفی از خود	۱/۸۸	۱/۳۶
بازنمایی منفی از والدین	۰/۸۱	۱/۰۳
هیجان منفی	۲/۷۳	۱/۱۰
ارتباط روایت‌ها	۴/۱۳	۲/۹۵
مشکلات درونی‌سازی	۴/۸۸	۲/۸۱
تحریک‌پذیری هیجانی	۳/۶۶	۳/۰۱
اضطراب/افسردگی	۳/۵۷	۲/۴۵
شکایت‌های بدنی	۱۶/۱۷	۹/۷۵
کناره‌گیری	۵/۷۷	۲/۲۵
نمره کل	۱۶/۹۳	۶/۰۶
مشکلات برونی‌سازی	۲/۷۶	۱/۷۵
مشکلات رفتار مقابله‌ای	۱۹/۴۹	۷/۰۶
پرخاشگری		
مشکلات توجه		
نمره کل		

جدول ۳

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
تحریک‌پذیری هیجانی	۰/۲۴*	-۰/۳۱**	-۰/۲۴*	-۰/۵۱**	-۰/۵۷**	-۰/۴۶**	-۰/۲۹*	-۰/۳۷**
اضطراب/افسردگی	۰/۳۶**	-۰/۳۵**	-۰/۱۴	۰/۲۷*	-۰/۳۰*	-۰/۳۳**	-۰/۲۳*	-۰/۱۰
درونی‌سازی	۰/۲۱*	-۰/۲۲*	۰/۲۲*	۰/۳۹**	-۰/۴۱**	-۰/۳۴**	-۰/۲۰*	-۰/۲۲
شکایات جسمانی	۰/۳۵**	-۰/۱۵	-۰/۰۸	۰/۵۵**	-۰/۶۱**	-۰/۳۱**	-۰/۲۸*	-۰/۳۶**
نمره کل	۰/۳۳**	-۰/۲۸*	۰/۲۱*	۰/۵۳**	-۰/۵۷**	-۰/۴۴**	-۰/۳۰*	-۰/۳۴**
پرخاشگری	۰/۲۴	-۰/۳۸**	۰/۵۶**	۰/۴۸**	-۰/۲۴*	-۰/۵۷**	-۰/۳۸**	-۰/۱۵
مشکلات	۰/۰۸	-۰/۱۰	۰/۵۴**	۰/۴۲**	-۰/۲۷*	-۰/۳۷**	-۰/۳۹**	-۰/۰۵
مشکلات برونی‌سازی	۰/۲۷*	-۰/۳۷**	۰/۵۲**	۰/۵۰**	-۰/۲۸*	-۰/۵۸**	-۰/۳۹**	-۰/۱۱
رفتار مقابله‌ای	۰/۱۷*	-۰/۲۵*	۰/۶۵**	۰/۵۸**	-۰/۳۱*	-۰/۶۴**	-۰/۴۵**	-۰/۰۴
نمره کل								

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۰۱

توجه: ۱. تعارض کلامی، ۲. روابط همدلانه، ۳. پرخاشگری، ۴. موضوع‌های اخلاقی، ۵. بازنمایی منفی از خود، ۶. بازنمایی منفی از والدین، ۷. هیجان منفی، ۸. ارتباط و انسجام روایت

جدول ۴

خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام مشکلات درونی‌سازی بر اساس بازنمایی‌های ذهنی کودک

متغیر ملاک	گام	متغیر پیش بین	B	R	R ^۲	F	β
مشکلات درونی سازی	۱	بازنمایی منفی از خود	۳/۹۱	۰/۵۷	۰/۳۳	۳۵/۶۷**	۰/۵۸
	۲	بازنمایی منفی از خود موضوع‌های اخلاقی	۲/۷۵	۰/۶۲	۰/۳۸	۲۲/۳۸**	۰/۴۰
مشکلات درونی سازی	۳	بازنمایی منفی از خود موضوع‌های اخلاقی روابط همدلانه	۱/۱۴	۰/۶۵	۰/۴۲	۱۷/۴۳**	۰/۳۹
	۴	بازنمایی منفی از خود موضوع‌های اخلاقی روابط همدلانه هیجان منفی	۲/۷۰	۰/۶۸	۰/۴۷	۱۵/۴۳**	۰/۳۹
	۵	بازنمایی منفی از خود موضوع‌های اخلاقی روابط همدلانه هیجان منفی تعارض کلامی	۱/۰۶	۰/۷۱	۰/۵۰	۱۴/۰۱**	۰/۲۷
			-۱/۴۵				-۰/۲۰
			۲/۳۰				۰/۳۴
			۰/۸۴				۰/۲۱
			-۲/۰۷				-۰/۲۹
			۲/۱۶				۰/۲۴
			۱/۸۳				۰/۲۷
			۰/۷۶				۰/۱۹
			-۱/۷۷				-۰/۲۵
			۲/۸۳				۰/۳۲
			۳/۶۷				۰/۲۲

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، متغیرهای بازنمایی‌های منفی از خود، موضوع‌های اخلاقی، روابط همدلانه، هیجان منفی و تعارض کلامی به ترتیب وارد معادله شدند و توانستند ۵۰ درصد از تغییرات واریانس مشکلات درونی‌سازی را تبیین کنند. نتایج تحلیل رگرسیون (جدول ۵). متغیرهای دیگر وارد معادله رگرسیون نشدند.

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، متغیرهای بازنمایی‌های منفی از خود، موضوع‌های اخلاقی، روابط همدلانه، هیجان منفی و تعارض کلامی به ترتیب وارد معادله شدند و توانستند ۵۰ درصد از تغییرات واریانس مشکلات درونی‌سازی را تبیین کنند. نتایج تحلیل رگرسیون

جدول ۵

خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام مشکلات برونی‌سازی بر اساس بازنمایی‌های ذهنی کودک

متغیر ملاک	گام	متغیرهای پیش بین	B	R	R ^۲	F	β
مشکلات برونی سازی	۱	پرخاشگری	۲/۶۵	۰/۶۶	۰/۴۳	۵۵/۰۲**	۰/۶۶
	۲	پرخاشگری تعارض کلامی	۲/۸۵	۰/۷۲	۰/۵۱	۳۸/۱۴**	۰/۷۱
	۳	پرخاشگری تعارض کلامی بازنمایی منفی از والدین	۳/۶۱	۰/۷۴	۰/۵۵	۲۸/۴۷**	۰/۳۰
			۲/۰۲				۰/۵۰
			۳/۲۰				۰/۲۶
			۱/۳۹				۰/۲۷

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۰۱

نتایج این پژوهش نشان دادند بازنمایی‌های ذهنی کودک پیش‌بینی‌کننده نیرومندی برای مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی است. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده اثرگذاری متفاوت بازنمایی‌ها بر مشکلات هیجانی و رفتاری کودک بود. این نتایج همسو با فرضیه‌های بنیادی و اصلی نظریه دلبستگی

بود. بالی علت تاثیرگذاری روابط اولیه را در تعامل با مراقبی می‌دانست که مدل‌های کاری درونی کودک از خود و دیگران را شکل می‌دهد. اعتقاد وی بر آن بود که این مدل‌ها، ساختارهای اصلی شکل‌دهنده شخصیت هستند. بالی (۱۹۸۸) معتقد بود تعامل‌های کودکان با دیگران را می‌توان بر اساس

شناختی-عاطفی از خود و دیگران، شامل انتظاراتی از تعامل‌های اجتماعی اشاره دارد. بر اساس این الگو، رفتار غیرحساس و غیرپاسخده والدین می‌تواند موجب تحول مدل‌های کاری درونی منفی شود که نتیجه آن تعامل پرخاشگرانه، عدم اعتماد و اضطراب در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی است (مین، ۱۹۹۵). این سوگیری اسنادی در تعامل‌های اجتماعی می‌تواند موجب مشکلات برونی‌سازی مانند رفتار مقابله‌ای یا پرخاشگری واکنشی شود (گرینبرگ، ۱۹۹۹). این فرض همسو با نتیجه این پژوهش مبنی بر رابطه بازنمایی‌های منفی از والدین با مشکلات برونی‌سازی است. همچنین یافته‌های پژوهش همسو با نظریه پردازش اطلاعات اجتماعی^۲ (کریک و دوج، ۱۹۹۴) نشان می‌دهند زمانی که کودکان والدین را حساس و پاسخده نمی‌بینند و ادراک آنها از تعامل با والدین مبتنی بر پرخاشگری، پاسخ‌های تنبیه‌کننده و غیرهمدلانه است، سوگیری در پردازش اطلاعات اجتماعی و اسنادهای خصمانه افزایش می‌یابد و به دلیل عدم تحول مناسب مهارت‌های همدلی، کودک قادر به برقراری رابطه مناسب در تعامل‌های اجتماعی نیست. در زمینه تعارض کلامی و پرخاشگری نیز به نظر می‌رسد افزون بر نوعی الگوبرداری از رفتار والدین، کودک می‌آموزد که در تعامل‌های خویش از این‌گونه مکانیزم‌ها برای مدیریت هیجان‌های خویش استفاده کند.

در ارتباط مدل‌های کاری و مشکلات درونی‌سازی، نیز می‌توان به کنش‌های دلبستگی اشاره کرد. نخستین کنش دلبستگی فراهم کردن احساس ایمنی است که منجر به آرامش و کاهش تنیدگی در کودک می‌شود. دومین کنش آن، نظم‌جویی خلق و برانگیختگی است. با تکرار تعامل‌های لذت‌بخش و ارضاکنده بین مادر و کودک، راهبردهای نظم‌جویی هیجانی در کودک رشد یافته و به منظور مهار درماندگی و هیجان‌های منفی درونی‌سازی می‌شود (هولمز، ۲۰۱۰). کنش بعدی ارتقای تظاهرات هیجانی و ارتباط است. کودکان ایمن به اشتراک گذاشتن احساسات و مهارت‌های ارتباطی را می‌آموزند و ظرفیت‌هایی شامل مشارکت متقابل، درک احساسات دیگران و

مدل‌های کاری آنها تبیین کرد و این مدل‌های کاری رفتار والدین و کیفیت تعامل والد-کودک را تعیین می‌کند. به عقیده بالبی (۱۹۸۲) کودکان در سال‌های دوم و سوم زندگی خود شروع به کشف محیط و توسعه مدل‌های کاری درونی به منظور پیش‌بینی رفتار مراقب یا دیگر افراد معنادار زندگی‌شان خواهند کرد. بر اساس تجارب آنها با مراقبان، مدل‌های کاری به کودکان کمک می‌کنند تا موقعیت‌های بین فردی را ارزیابی و برای پاسخدهی به آنها برنامه‌ریزی کنند.

پژوهش‌های پیشین همسو با یافته‌های پژوهش تأییدکننده نقش بازنمایی‌های ذهنی برگرفته از الگوی دلبستگی کودک در مشکلات برونی‌سازی است (گرو و یتز، ۲۰۱۴). در تبیین این رابطه کسیدی و شاور (۲۰۰۸) معتقدند بازنمایی‌های ذهنی کودک می‌توانند از طریق فرایندهای نظم‌جویی هیجانی که در تعامل‌های والد-کودک شکل می‌گیرد، بر تحول اختلال تاثیر بگذارد. اهمیت راهبردهای نظم‌جویی هیجانی در ایجاد و تداوم اختلال‌های روان‌شناختی در پژوهش‌های مختلف دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است (چاپلین و کول، ۲۰۰۵؛ ایزارد و دیگران، ۲۰۰۶). همچنین رفتار سازش‌نا یافته می‌تواند راهبردی برای تنظیم الگوهای ارتباطی بین والد-کودک باشد و موجب حفظ توجه مراقب شود (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸). مدل‌های کاری از خود و چهره‌های دلبستگی منجر به ادراک‌های تعمیم‌یافته‌ای در مورد حرمت خود^۱ و صلاحیت خود و همچنین رفتارهای مراقب می‌شود. وقتی این مدل‌ها نایمن باشند، نقش مهمی در بروز خشم، عدم اعتماد و اضطراب و ترس در کودکان دارند.

در زمینه رابطه بازنمایی‌های ذهنی با مشکلات برونی‌سازی، همان‌طور که نتایج پژوهش نشان دادند، بازنمایی ذهنی از تجارب پرخاشگرانه، تعارض‌های کلامی و بازنمایی منفی از والدین بیشترین نقش را در تبیین این نوع مشکلات داشتند. سه الگوی دلبستگی محور وجود دارد که هر کدام فرضیه‌های خاصی درباره دلبستگی نایمن و رابطه آن با مشکلات رفتاری کودک ارائه می‌دهند. الگوی اول بر مبنای مفهوم مدل‌های کاری درونی بالبی است که به طحوااره

توجه و همدلی به دیگران در آنها شکل می‌گیرد. و در نهایت آخرین کنش اصلی دلبستگی فراهم کردن پایگاهی ایمن برای نیازهای اکتشافی کودک است که پیامد آن احساس صلاحیت و توانمندی است (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸). همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نیز نشان دادند روابط همدلانه نقش بسیار مهمی در تبیین مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی دارد.

یافته قابل توجه، نقش متفاوت بازنمایی‌های منفی از خود و والدین در رابطه با مشکلات کودک بود. به نظر می‌رسد بازنمایی منفی از والدین منجر به بروز خشم و ناکامی در رابطه والد-کودک شده و در نتیجه رفتارهای نامناسب به بیرون هدایت می‌شوند. این نوع بازنمایی‌ها همسو با توصیف مدل‌های کاری کودکان اجتنابی است که دیدگاهی منفی نسبت به دیگران دارند (هاو و دیگران، ۱۹۹۹). پژوهش گری و یترز (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد بازنمایی منفی از مادر با بازداری رفتاری کمتر رابطه دارد. همچنین بازنمایی‌های اجتنابی با تعارض بیشتر و جهت‌گیری اجتماعی مناسب کمتر رابطه داشته است (رایدل و دیگران، ۲۰۰۷). همچنین گری و یترز (۲۰۱۴) نشان دادند بازنمایی ذهنی منفی از مادر با سطوح پایین بازداری رفتار و انسجام روایت‌ها رابطه دارد. از سوی دیگر زمانی که کودک نسبت به خود دیدگاهی منفی دارد رفتارهای اجتنابی تقویت و کناره‌گیری و افسردگی در وی بیشتر مشاهده می‌شود. افزون بر آن، بازنمایی‌های مربوط به موضوع‌های اخلاقی که شامل احساس شرم، تقصیر و گناه است با مشکلات درونی‌سازی رابطه بیشتری نشان دادند. این نوع دیدگاه همسو با چیزی است که در افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دلمشغول و مضطرب مشاهده می‌شود (هاو و دیگران، ۱۹۹۹). در پژوهش دیگری نیز نشان داده شد سبک‌های ناایمن اجتنابی و سازمان‌نیافته بیشترین سطح اضطراب را نشان می‌دهند (شامیرسکو و دیگران، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد این اضطراب موجب کناره‌گیری بیشتر فرد از تعامل‌های اجتماعی و نوعی احساس عدم صلاحیت و کفایت می‌شود و وی را به سمت مشکلات درونی‌سازی سوق می‌دهد. در پژوهش لکومپت و دیگران (۲۰۱۳) نیز بازنمایی‌های سازمان‌نیافته از والدین با اضطراب، افسردگی و حرمت خود پایین در کودکان رابطه مثبت داشت.

هر چند نتایج پژوهش حاضر همسو با مدل‌ها و فرضیه‌های اصلی نظریه دلبستگی بود اما به دلیل محدودیت بررسی‌ها درباره بازنمایی‌های ذهنی کودکان، امکان مقایسه نتایج چندان فراهم نبود. با وجود یافته‌های قابل توجه، پژوهش حاضر دارای چندین محدودیت بود. نخست آنکه امکان انتخاب کاملاً تصادفی شرکت‌کنندگان به دلیل ضبط ویدئویی امکان‌پذیر نبود. همچنین به دلیل مشکلات اجرایی در ارزیابی بازنمایی‌های ذهنی کودکان، تعداد نمونه محدود بود و این مسئله تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. در نهایت، در این پژوهش بازنمایی نسبت به والدین به طور مجزا ارزیابی نشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی بازنمایی نسبت به پدر و مادر به صورت جداگانه بررسی و نتایج مقایسه شوند. این پژوهش در مورد جمعیت غیربالیینی انجام شد، بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی به منظور مقایسه بین این دو گروه، بازنمایی‌های ذهنی در گروه‌های تشخیصی مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

قدردانی

در پایان از تمام مادران و کودکان و همچنین مدیران مهدهایی که با وجود مشکلات بسیار در این پژوهش همکاری کردند، قدردانی می‌کنم.

منابع

- خانجانی، ز. و دادستان، پ. (۱۳۸۲). بررسی رابطه نشانه‌های مرضی مادر با شکل‌گیری دلبستگی و مشکلات رفتاری / اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. *مجله روان‌شناسی*، ۷(۳)، ۲۵۲-۲۳۳.
- ذوالفقاری مطلق، م.، جزایری، ع.، خوشابی، ک.، مظاهری، ع. و کریملو، م. (۱۳۸۷). اثربخشی درمان مبتنی بر دلبستگی بر کاهش علائم اختلال اضطراب جدایی. *فصلنامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۴(۵۵)، ۳۸۸-۳۸۰.
- سیدموسوی، پ.، مظاهری، م.، پاکدامن، ش. و حیدری، م. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی درمانی دلبستگی محور بر حساسیت مادرانه و بازنمایی‌های ذهنی منفی کودک از خود و مادر. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۰(۳۸)، ۱۶۰-۱۴۹.

- Bretherton, I., Prentiss, C., & Ridgway, D. (1990).** Children representation of family relationship in a story completion task at 37 and 54 months. In I. Bretherton & M. Watson (Eds.), *New directions in child development: Children perspectives on the family* (pp. 85-105). Wiley: Jossey-Bass.
- Buchsbaum, H., & Emde, R. N. (1990).** Play narratives in 36 month old children: early moral development and family relationship. *Psychoanalytic Study of the Child*, 40, 129-155.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2008).** *Handbook of attachment: Theory, research and clinical application*. New York: Guilford Press.
- Chaplin, T. M., & Cole, P. M. (2005).** The role of emotion regulation in the development of psychopathology. In B. L. Hankin & J. R. Z. Abela (Eds.), *Development of psychopathology: A vulnerability-stress perspective* (pp. 49-74). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Crick, N. R., Dodge, K. A. (1994).** A review and reformulation of social-information processing mechanisms in children's development. *Psychological Bulletin*, 115, 74-101.
- Dadds, M. R., & Ruth, J. H. (2001).** Family processes in the development of anxiety problems. In M. W. Vasey & M. R. Dadds (Eds.), *The development psychopathology of anxiety* (pp. 278-303). New-York: Oxford University Press
- Emde, R. N., Wolf, D. P., & Oppenheim, D. (2003).** *Revealing the inner world of children: The McArthur Story Stem Battery and parent-child narratives*. USA: Oxford Universities Press.
- Greenberg, M. T. (1999).** Attachment and psychopathology in childhood. In J. Cassidy, P. R. Shaver (Eds.), *Attachment and psychopathology* (pp. 13-47). New York: Guilford Press.
- Achenbach T. M., & Rescorla L. A. (2001).** Manual for the ASEBA school-age forms and profiles. Burlington, VT; University of Vermont. Research Center for Children, Youth & Families .
- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2000).** Manual for the ASEBA preschool forms and profiles. Burlington, VT: University of Vermont, Research Center for Children, Youth, & Families.
- Ainsworth, M. D. S. (1989).** Attachments beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709-716.
- Berlin, L., Ziv, Y., Amaya-Jackson, L., & Greenberg, M. (2005).** *Enhancing early attachments: Theory, research, intervention, and policy*. New York: Guilford Press.
- Bowlby, J. (1982).** *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973).** *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988).** *A secure base*. New York: Basic Books.
- Bretherton, I. (1992).** The origins of attachment theory: John Bowlby and Mary Ainsworth. *Developmental Psychology*, 28, 759-775.
- Bretherton, I. (2005).** In pursuit of the internal working model construct and its relevance to attachment relationships. In K. E. Grossman, K. Grossman, & E. Waters (Eds.), *Attachment from infancy to adulthood: The major longitudinal studies* (pp. 13-47). New York: Guilford Press.
- نجات، آ.، شهبابی‌زاده، ف. و غباری‌بناب، ب. (۱۳۹۲).** دل‌بستگی ادراک شده دوران کودکی، فرایند سازشی تصور از خدا و خودپنداشت در مدل سلامت روانی: مدل‌یابی معادلات ساختاری. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۸۷-۲۰۰.

- Jellinek, M. S., Murphy, J. M., & Little, M. (1999).** Use of the Pediatric Symptom Checklist (PSC) to screen for psychosocial problems in pediatric primary care: A national feasibility study. *Archives of Pediatric and Adolescent Medicine*, 153(3), 254–260.
- Laible, D. J., & Thompson, R. A. (2002).** Mother-child conflict in the toddler years: Lessons in emotion, morality, and relationships. *Child Development*, 73, 1187-1203.
- Lecompte, V., Moss, E., Cyr, C., & Pascuzzo, K. (2013).** Preschool attachment, self-esteem and development of preadolescent anxiety and depressive symptoms. *Attachment and Human Development*, 16(3), 242-260.
- Madigan, S., Moran, G., & Pederson, D. R. (2012).** Unresolved states of mind, disorganized attachment relationships, and disrupted interactions of adolescent mothers and their infants. *Developmental Psychology*, 42, 293–304
- Main, M. (1995).** Recent studies in attachment: Overview, with selected implications for clinical work. In S. Goldberg, R. Muir, & J. Kerr (Eds.), *Attachment theory: Social, developmental, and clinical perspectives* (pp. 407–474). New York: Analytic Press.
- Mash, E. J., & Barkley, R. A. (2003).** *Child psychopathology*. New York: Guilford Press.
- Oppenheim, D., Goldsmith, D., & Koren-Karie, N. (2004).** Maternal insightfulness and preschoolers' emotion and behavior problems: reciprocal influences in a therapeutic preschool program. *Infant Mental Health Journal*, 25(4), 352–367.
- Page, T. (2001).** The social meaning of children's narratives: A review of the attachment-based *Handbook of attachment. Theory, research, and clinical applications* (pp. 469–496). New York: Guilford Press.
- Greenberg, M. T. (2005).** Enhancing early attachment: Synthesis and Recommendations for Research, Practice, and Policy. In L. J. Berlin, Y. Ziv, L. Amaya-Jackson & M. T. Greenberg (Eds.), *Enhancing early attachment: theory, research, intervention and policy* (pp. 327-343). New York: Guilford Press.
- Grey, I. K., & Yates, T. M. (2014).** Preschooler narrative representations and childhood adaptation in an ethnoracially diverse sample. *Attachment and Human Development*, 16 (6), 613-632.
- Hinshaw, S. P., & Lee, S. S. (2003).** Conduct and oppositional defiant disorders. In E. J. Mash & R. A. Barkley (eds.) *child psychopathology*. New York: Guilford Press.
- Holmes, J. (2010).** *Exploring in security: Toward an attachment informed psychoanalytic psychotherapy*. USA: Routledge.
- Howe, D., Brandon, M., Hinings, D., & Schofiels, C. (1999).** *Attachment theory, child maltreatment and family support*. London: Macmillan Press.
- Ingle, B. A. (2005).** An exploration of parental sensitivity and child cognitive and behavioral development. Prepared for the degree of Master of science. University of North Texas.
- Izard, C. E., Youngstrom, E. A., Fine, S. E., Mostow, A. J., & Trentacosta, C. J. (2006).** Emotions and developmental psychopathology. In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds.), *Developmental psychopathology: Theory and method* (pp. 244–292). Hoboken, NJ: Wiley.

and externalizing problems in non-clinical children. *Journal of Child and Family Studies*, 15 (3), 331-344

- Rydel, A., Bohlin, G., & Thorell, L. B. (2007).** Representations of attachment to parents and shyness as predictors of children's relationships with teachers and peer competence in preschool. *Attachment and Human Development*, 7 (2), 187-204.
- Shamir-Essakow, G., Ungerer, J. A., & Rapee, R. M. (2005).** Attachment, behavioral inhibition, and anxiety in preschool children. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 33, 131-143.
- Thompson, R. A. (2008).** Early attachment and later development. In J. Cassidy, & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications* (pp.348-366). New York: Guilford Press.

narrative story stem technique. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 18(3), 171-187.

- Page, T., & Bretherton, I. (2001).** Mother- and father-child attachment themes in the story completions of pre-schoolers from post-divorce families: Do they predict relationships with peers and teachers? *Attachment and Human Development*, 3 (1), 1-29.
- Robinson, J., Mantz-Simmons, L., Macfie, L. & the McArthur Narratives Working Group. (1992).** *The narrative coding manual*. Unpublished manuscript, University of Colorado, Boulder.
- Robinson, J., Mantz-Simmons, L., Macfie, L. & the McArthur Narratives Working Group. (1999).** *The narrative coding manual*. Unpublished manuscript, University of Colorado, Boulder.
- Roelofs, J., Meesters, C., Huurne, M., Bamelis, L., & Muris, P. (2006).** On the link between attachment style, parental rearing behaviors and internalizing